



## اقتصاد سیاسی تعاملی / پراکنشی؛ الگوی نوین قطر در قدرت‌سازی ژئوپلیتیک

سمیه حمیدی<sup>۱</sup>  
احسان مزدخواه<sup>۲</sup>

### چکیده

الگوی همگرایی اقتصادی در چارچوب اقتصاد سیاسی تعاملی-پراکنشی در جهان امروز الگویی نظم‌ساز در سیاست جهانی است که پیگیری آن به قدرت‌سازی و کسب اعتبار و وزن بین‌المللی کشورها کمک می‌کند. اقتصاد سیاسی تعامل محور و پراکنشی، از دهه ۲۰۰۰ میلادی در ساختار سیاسی قطر، به‌عنوان یک ضرورت گریزناپذیر در راستای تولید قدرت منطقه‌ای بین‌المللی مطرح شد. گزینش این رهیافت از سوی نظام حکمرانی قطر، به‌این‌معناست که این کشور می‌بایست با خوشه‌سازی ارتباطی و شبکه‌سازی در سطح منطقه و فرامنطقه، به اصل ارتباط پایدار اقتصادی و سیاسی برای تأمین منافع و کسب وجهه بین‌المللی به‌عنوان یک کنشگر فعال و متوازن، عمل کند. اکنون پرسش این است که «الگوی اقتصاد سیاسی قطر، به‌عنوان مؤلفه تولید قدرت در نظام بین‌الملل، چگونه عمل کرده است؟» و «این الگو دارای چه ویژگی‌هایی است؟» پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و بررسی اطلاعات اقتصادی قطر در پی تبیین ژئواکونومی تعاملی قطر از منظر اقتصاد سیاسی، به‌عنوان پایه قدرت‌ساز این کشور در نظام بین‌الملل است. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که ابعاد تعاملی اقتصاد سیاسی قطر در پی انطباق‌گرایی و خودگسترشی در نظام بین‌الملل است.

**کلیدواژه‌ها:** اقتصاد سیاسی تعاملی-پراکنشی، ژئوپلیتیک‌سازی قدرت، الگوهای تعامل اقتصادی، خودگسترشی، قطر



۱. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران. (نویسنده مسئول) Somaye.hamidi@birjand.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. Ehsanmzdkhah@birjand.ac.ir

# Interactive-Dispersive Political Economy: Qatar's New Model for Geopolitical Empowerment

Somaye Hamidi<sup>1</sup>  
Ehsan Mozdkhah<sup>2</sup>

## Abstract

The model of economic convergence in the context of interactive - Dissipated political economy in today's world is a model of order in world politics, and the pursuit of such a model helps to power - maker, gain credibility and international weight of countries. Interaction-oriented and diffuse political economy Since the 2000s, Qatar political construction has emerged as an inevitable necessity for the production of regional-international power. This approach by Qatar's system of governance means that the country must act as a viable and balanced actor in regional and supra-regional communication cluster-building and networking to a stable economic and political relationship to secure international interests and prestige. The question now is how Qatar's model of political economy has functioned as a component of power generation in the international system, and what are the characteristics of this model? Using descriptive-analytical method and relying on library resources and examining Qatar's economic information, this study seeks to explain Qatar's interactive geoeconomics from the perspective of political economy as the basis for power-building the country in the international system. The results show that the interactive dimensions of Qatar's political economy seek adaptation and self-expansion in the international system.

**Key Words:** Interactive – Dissipated Political Economy, Geopolitics – Building of Power, Patterns of economic interaction, Self-expansion, Qatar.

---

1. Associate professor of Department political Science, University of Birjand, Birjand, Iran.  
2. Ph.D. Student Political Science, Ferdowsi of University, Mashhad, Iran.  
Corresponding Author: Somaye.hamidi@birjand.ac.ir

با فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد، سازه دبلوکی هژمونی خواه تک قطبی، جای خود را به سازه های قدرت یابی متکثر داد. بر همین اساس، یکی از مهم ترین واقعیت های نوپدید در نظام بین المللی و رهیافت های اقتصاد سیاسی، قدرت یابی کشورهای پیرامونی در نظام بین الملل بود که ضمن قدرت سازی، به امنیت سازی در ژئوپلیتیک زیستی خود روی آوردند. در همین راستا، تحولات ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک، سهم بسزایی در ابعاد تبیینی-تحلیلی اعضای نظام بین الملل پیدا کرد و در مقیاس های منطقه ای و بین المللی به عنوان شاخصی برای اندازه گیری قدرت و توسعه دولت کشورها در نظر گرفته شد؛ از این رو، در عصر پسا شوروی و دوران چند ضلعی شدن قدرت و خروج از ساختار جهان تک قطبی، مفاهیمی مانند اقتصاد سیاسی تعاملی-پراکنشی وارد حوزه روابط بین الملل شد. به بیان روشن تر، در دوران جدیدی که گفتمان توسعه خواهی کشورها در قالب ژئواکونومی مفصل بندی شده است، دولت ها در پی افزایش تعاملات اقتصادی، چندجانبه گرایی، اعمال الگوهای چندبرداری اقتصاد محور با تأکید بر عقلانیت ارتباطی و همچنین، شبکه سازی برای ارتقای ارتباطات اقتصادی خود هستند. در دنیای امروز، قدرت یابی و کسب منافع در سطوح منطقه ای و فرامنطقه ای، نوعی الزام راهبردی به شمار می آید؛ به گونه ای که استفاده از تاکتیک های متنوع اقتصادی و اعمال الگوهای متوازن با هر منطقه ژئوپلیتیکی، از جمله رهیافت های اقتصاد سیاسی توسعه گرا و تعامل محور است. در پنداره تحلیلی اقتصاد سیاسی تعاملی-پراکنشی (فراکنشی)، دینامیک قدرت اقتصادی، در صدد پیوند سازی ارتباطی اقتصاد محور است تا تعادل و پویایی را برای دولت اعمال گر به ارمغان آورد. بر این اساس، ویژگی متفاوت پژوهش حاضر با پژوهش های دیگر این است که با نوآوری و نوپدیدگی خوانشی در اقتصاد سیاسی و انطباق آن با یک مورد پژوهش، یعنی کشور قطر، در پی این است که به این پرسش پاسخ دهد که «الگوی اقتصاد سیاسی قطر در سطوح منطقه ای-بین المللی به چه صورت است؟» فرضیه مورد بررسی نگارندگان این است که «قطر به عنوان یک دولت کوچک، با اعمال الگوی اقتصاد سیاسی تعاملی-پراکنشی، پرسمان جدیدی از قدرت سازی ژئوپلیتیکی، یعنی مطرح شدن به عنوان یک دولت دارای قدرت کنشگری بین المللی، را به وجود آورده و با رهیافت عقلانیت ارتباطی و همچنین، اتخاذ نوعی رفتار انطباقی-خودگسترشی در نظام بین الملل، در پی کسب ثروت و ساخت ژئواکونومی توسعه گرا است». برای تحلیل این فرضیه از چارچوب اقتصاد سیاسی با خوانشی نوپدید و نوینان با عنوان اقتصاد سیاسی تعاملی-پراکنشی استفاده شده است که در عمل، چارچوبی برای تبیین قدرت عملکردی دولت ها در نظام بین الملل در راستای دستیابی به توسعه است.



## ۱. پیشینه پژوهش

در میان پژوهش‌های داخلی انجام‌شده درباره قطر می‌توان به آثار زیر اشاره کرد. *مهران کامروا* (۲۰۱۷) در مقاله‌ای با عنوان «سیاست خارجی قطر و استفاده از قدرت ظریف» تأکید کرده است که الگوی نوپدید قدرت برای قطر در راستای تحول آفرینی، گسترش نفوذ، و ایجاد شرایط مطلوب برای رسیدن به اهداف سیاسی و اقتصادی عمل کرده است. *زیبایی* (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «ظهور قدرت‌های متوسط نوظهور در خاورمیانه جدید: امارات متحده عربی و قطر» اشاره کرده است که الگوهای سیاسی و اقتصادی همواره در ظهور قدرت‌های جدید، به‌عنوان یک پیشران عمل کرده‌اند و قطر نیز با استفاده هم‌زمان از قدرت سیاسی و اقتصادی در قالب یک قدرت نوظهور، درصدد قدرت‌سازی منطقه‌ای و بین‌المللی است. *آدمی و انصاری* (۱۳۹۹) نیز در پژوهشی با عنوان «اولویت‌های سیاست خارجی قطر در ارتباط با اتحادیه اروپا» به این پرسش که «الگوی بین‌الملل‌گرایی در سیاست خارجی قطر به‌عنوان نوعی الگوی انطباق‌گرا در نظام بین‌الملل با تأکید بر اتحادیه اروپا، چگونه سبب توسعه قطر شده است؟» چنین پاسخی داده‌اند که گزینش راهبردهای توسعه‌خواهانه و غیرتنش‌زا سبب گسترش حوزه ارتباطی قطر شده است. *رنجکش و اصغری ثانی* (۱۳۹۲) در پژوهش خود با عنوان «برندسازی در دیپلماسی نیچه‌ای» این‌گونه بیان کرده‌اند که قطر برخلاف رویه‌های جاری نظام بین‌الملل، با استفاده از قدرت بسیج منابع توانسته است بر قدرت بین‌المللی خود بیفزاید و درعمل، اقتصاد این کشور در خدمت قدرت‌سازی آن قرار گرفته است. در میان پژوهش‌های خارجی نیز *اروین توک* و *دیگران* (۲۰۱۶) در کتاب «سیاست‌گذاری برای تحول آفرینی دولت؛ مطالعه موردی قطر» بیان کرده‌اند که حکمرانی مطلوب و سیاست‌گذاری سیاسی-اقتصادی، ابزار مناسبی برای تحول آفرینی دولت و گذار به‌سوی دولت توسعه‌گرا به‌شمار می‌آیند که قطر، نمونه مطلوب چنین روایتی است. *محبوب زویری* (۲۰۲۱) نیز در کتاب «قطر معاصر: بررسی جامعه و دولت» اذعان می‌دارد که الگوهای توسعه در دولت‌سازی برای افزایش ظرفیت بین‌المللی قطر، درصدد کسب اعتبار جهانی برای این کشور بوده است. *ریچارد نفیو* (۲۰۲۰) نیز در گزارش راهبردی خود با عنوان «اپیزود تحریم‌های قطر: بحران، پاسخ، و درس‌های آموخته‌شده» - که در مرکز جهانی سیاست‌گذاری انرژی دانشگاه کلمبیا به‌چاپ رسیده است - بیان می‌کند که پس از تحریم‌های منطقه‌ای سال ۲۰۱۷ به‌رهبری عربستان سعودی علیه قطر، این کشور با تغییر رویه کنشگری در منطقه و جهان، مسیر



رشد اقتصادی خود را به سرعت می‌پیماید و به‌عنوان یک دولت-کشور، دارای منطق کنشگری فعالانه‌ای برای کسب ثروت و قدرت جهانی است.

## ۲. چارچوب نظری پژوهش

چارچوب نظری پیش رو، به تبیین اقتصاد سیاسی تعاملی-پراکنشی به‌عنوان یک الگوی نوپدید در برنامه رفتاری دولت‌های کوچک عضو نظام بین‌الملل می‌پردازد و با بررسی وضعیت کنشگرایانه اقتصادی، در پی فهم راهبرد سیاسی آنان است. با فروپاشی سازه دویلوکی قدرت در نتیجه سقوط شوروی، روندهای نوین جهانی شدن تغییر کردند. یکی از مهم‌ترین واقعیت‌های نوپدید در سطح نظام بین‌الملل پس از فروپاشی شوروی این است که بیشتر کشورها در پی قدرت‌یابی و مطرح شدن در نظام جهانی هستند تا از این طریق بتوانند الگوهای رفتاری متنوعی را در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی به‌نمایش بگذارند (Clemons, 2019, 78-84)؛ به‌گونه‌ای که بسیاری از این کشورها درصدد بازتعریف و بازنگری در نظم کنترلی نوین جهان هستند و به‌نوعی به سازه شبکه‌ای خودسازنده در قالب پیوندسازی ائتلافی با بازیگران دیگر روی آورده‌اند (Schleifer, 2018, 259). چنین رهیافتی با تأکید بر نوعی سیاست خارجی انطباق‌گرا و اقتصاد سیاسی توسعه‌خواه، قابل‌دستیابی خواهد بود.

در پنداره تحلیلی اقتصاد سیاسی پراکنشی-تعاملی، دینامیک قدرت و ثروت با افزایش خوشه‌های ارتباطی به‌عنوان مؤلفه‌ای پیونددهنده، به برون‌رفت از وضعیت آنارشی و گذار به‌سوی یک نظام متعادل و پویا کمک می‌کند. پرمسان قدرت‌سازی اقتصاد سیاسی خوشه‌ای-پراکنشی و در یک کلام، تعاملی، با‌عنوان قطبیت خوشه‌ای مطرح می‌شود (Wilkinson, 2020, 23)؛ به‌این‌معنا که واحد سیاسی (دولت) در سه سطح ساختاری (۱) زیرساخت‌های اقتصاد توسعه‌ای مانند نهادسازی تحول‌خواه و دارای قدرت کنشگری بالای بین‌المللی و انطباق‌محور؛ (۲) پیوندسازی منطقه‌ای با بازیگران دیگر به‌عنوان متحدان راهبردی؛ و (۳) تحول در رویکردهای منطقه‌ای و گذار به برون‌منطقه‌گرایی در قالب پیوندسازی بین‌الملل‌گرایانه فعالیت می‌کند. در اقتصاد سیاسی پراکنشی-تعاملی، کانونی بودن یا به‌عبارتی، گزینش سیاست‌ها و الگوهای رفتاری هم‌افزاینده‌ای که بتواند تهدیدها را به فرصت تبدیل کند و راهبردهای آگاهانه به‌منظور کنشگری در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی در پرتو رویکرد انطباق‌محور، مؤثر هستند (Cammet & et al, 2018, 23).



29. قدرت‌سازی در چنین ساختی از رهیافت اقتصاد سیاسی، از نوع وضعیتی است؛ به این معنا که قدرت اقتصادی، در بردارنده تولیدکنندگی، انتقال‌دهندگی، و قابلیت‌پذیری در نظم بین‌الملل است؛ به گونه‌ای که دولت اعمال‌گر در چنین رهیافتی می‌تواند با استفاده از رویکردهای ائتلاف‌ساز در اقتصاد سیاسی بین‌الملل کنشگری کند. در خوانش اقتصاد سیاسی پراکنشی-تعاملی، دولت‌ها در پی ارتباط با دولت‌های دیگر و نهادهای توسعه‌گرا هستند (Shied, 2020, 70). این مدار ارتباطی آنان با پشتوانه قدرت بالقوه اقتصادی امکان‌پذیر است که اساساً الگوی انتقال قدرت برای متنوع‌سازی الگوهای رفتاری در راستای وزن‌سازی است. رهیافت انتقال‌دهندگی قدرت، به عنوان یک مجموعه چندسطحی بازشناسی می‌شود؛ به این معنا که دولت و نهادهای مربوطه با خوانش‌های توسعه‌ای-زیربنایی، نظم و ترازمندی قدرت را در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی تضمین می‌کنند و در این راستا الگوی رفتاری دولت، موازنه نهادی (نرم) برای تثبیت قدرت و تغییر چهره بین‌المللی منطقه‌ای است؛ موازنه نهادی به بیان دیگر، همان توازن شاخه‌ای است (Ghasemi, 2022, 343). در این موازنه، دولت‌ها با بهره‌گیری از قدرت و دانش، الگوهای نظم‌سازی نوینی را در قالب ثبات و پایداری ارائه می‌دهند و سبب افزایش سطح ارتباطات بین‌المللی می‌شوند (Barrett, 2019). به طور کلی، آموزه رخداد، زمینه‌گذار از اقتصاد سیاسی بین‌الملل به اقتصاد سیاسی جهانی را به وجود آورد. اقتصاد سیاسی بین‌الملل با ویژگی‌های توجه به سلسله‌مراتب و موازنه نیرو در اقتصاد، سیاست، و فرهنگ، تأکید بر نظم تک‌واحدی بین‌المللی مانند نظم آمریکایی، توجه به نظام کینزیسم-فورדיسم، دولت‌محور بودن و نظم جنگ سرد، جای خود را به اقتصاد سیاسی جهانی با ویژگی‌هایی چون تأکید بر دوره پساژمونیزم، اقتصاد ارتباطی تعاملی-فراکنشی، و توجه به عصر اقتصاد پسا صنعتی داد که وجه تمایز میان این گذار پارادایمی، افزایش پیچیدگی‌های اقتصادی و مطرح شدن نهادهایی با داعیه توسعه در کنار دولت‌ها در زنجیره جهانی بوده است (Yordanov Georgiev et al, 2019, 298). در چنین نظم جدیدی، موقعیت استعلایی دولت‌ها برای تولید ثروت و تعیین‌بخشی به روندها، تاحدودی کاهش یافت و شمار روزافزونی از نهادها برای کنشگری در راستای ثروت‌افزایی به وجود آمدند که سرآغاز منطقی این روند، به لحاظ ایجابی، دستیابی به توسعه با تأکید بر دولت‌های کوچکی مانند قطر بوده است. به بیان روشن‌تر، در



۱ Situational Power  
۲ Bifurcated Balancing  
۳ Doctrine of Event  
۴ Pax-Americana



ساختار معرفتی اقتصاد سیاسی جهانی، در نتیجه افزایش ارتباطات میان‌دولتی و نهادی (چندجانبه‌گرایی اقتصادمحور) دیگر دوگانه دولت قوی و ضعیف مطرح نیست، بلکه نقش قدرت‌های زیرک (هوشمند) در افزایش سطح تأثیرگذاری منطقه‌ای و بین‌المللی، دارای اهمیت راهبردی است.

## ۱-۲. قدرت‌سازی ژئواکونومیکی و تبیین مفهومی آن در بستر اقتصاد سیاسی تعاملی-پراکنشی

امروزه در عرصه روابط بین‌الملل، قدرت‌یابی در حوزه ژئواکونومی (اقتصاد) از جایگاه والایی برخوردار است و پیوند میان اقتصاد و قدرت و ارتباط آن با حوزه سیاست می‌تواند بستر قدرت‌سازی ژئواکونومیکی را در راستای دستیابی به توسعه فراهم کند (Mokhtarihashi, 2018, 59). قدرت‌سازی ژئواکونومیکی به این معنا است که دولت‌ها برای متنوع‌سازی الگوهای رفتاری خود در منطقه و نظام بین‌الملل، الگوهایی از اقتصاد را پیگیری می‌کنند که ضمن تأمین منافع، بر مشروعیت جهانی آنان می‌افزاید (قدرت‌سازی) و این هدف با اشاعه رویکردهای تعاملی و چندجانبه‌گرایانه محقق می‌شود (Black will & Harris, 2016, 20). قدرت‌سازی ژئواکونومیکی، فرایندی ارتباطی است که طی آن، دولت‌ها با همراهی نهادهای داخلی خود به کنشگری می‌پردازند و درصدد تأمین منافع ملی در یک فضای تعامل محور جهانی و منطقه‌ای برمی‌آیند؛ به‌عنوان نمونه، اداره برند قطر، سعی در بازنمود چنین رفتاری دارد. با توجه به اینکه عامل جغرافیا، عنصری محدودیت‌ساز برای این کشور به‌شمار می‌آید، یک نهاد خصوصی مانند اداره برند قطر، برای بازتولید قدرت در حوزه اقتصاد تلاش می‌کند. همان‌گونه که اشاره شد، الگوی اقتصاد سیاسی تعاملی-پراکنشی از دو وجه مهم برخوردار است که عبارتند از: ۱) سیاست‌های سرمایه‌گذارانه؛ ۲) کمک‌های اقتصادی. چنین شیوه رفتاری، امروزه در منطق کنشگرایانه قطر مشاهده می‌شود؛ به‌عنوان مثال، سرمایه‌گذاری قطر در اروپا و شرکت‌های دولتی و غیردولتی، مانند خرید بخشی از سهام شرکت‌های بین‌المللی فولکس‌واگن و بارکیلز، سرمایه‌گذاری در بخش‌های ورزشی مانند خرید سهام باشگاه فوتبال پاریس سن ژرمن فرانسه و گسترش روابط سرمایه‌گذارانه با کشورهای ژاپن، کره جنوبی، چین، و سنگاپور از جمله اقدامات قطر برای تقویت اقتصاد ژئوپلیتیکی و ایجاد شراکت راهبردی جهانی است که در عمل می‌توان گفت، نتیجه بخشی از این سرمایه‌گذاری، تزریق پول به شرکت‌های ورشکسته غربی بوده است (Martin & etal., 2021, 13). اما دولت قطر برای خنثی‌سازی آسیب‌های برآمده از این رویکرد در قالب سرمایه‌گذاری گسترده، از سال ۲۰۱۰، نگرشی صرفه‌جویانه مبتنی بر الگوی اقتصادی دانش‌بنیان را مطرح کرد که مبتنی بر ارتباط

کارگزار و عقلانیت بوده است تا بتواند ضمن ورود دانش برای تولید فناوری، قدرت اقتصادی خود را افزایش دهد. همچنین، کمک‌های مالی و اقتصادی قطر به کارخانه کشتی‌سازی لهستان در سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ و تأکید این کشور بر تسریع کمک‌های اقتصادی به لبنان پس از تشکیل دولت در این کشور در سال ۲۰۲۱ و همچنین، کمک نیم‌میلیارد دلاری به نوار غزه، از جمله اقدامات قطر در حوزه کمک‌های اقتصادی است که ضمن افزایش قدرت نرم این کشور بر قدرت ژئواکونومیکی آن نیز می‌افزاید.

## ۲-۲. چندجانبه‌گرایی در الگوی اقتصاد سیاسی-تعاملی-پراکنشی

چندجانبه‌گرایی یکی از مفاهیم رایج در ادبیات روابط بین‌الملل و اقتصاد سیاسی است که می‌تواند در بستر تعاملات اقتصادی در نظر گرفته شود. چندجانبه‌گرایی به صورت تعاملی-پراکنشی، مسیری برای توسعه اقتصادی کشورها است که بر پایه آن هر دولتی با تأکید بر انتخاب‌های عقلایی و اقتصادی، با نظام بین‌المللی به مشارکت می‌پردازد (Oatley, 2020, 80-82). براساس این الگوی اقتصادمحور، ارتباط با نظام بین‌الملل و بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود جهانی، در قالب پیوندهای چندجانبه‌گرایی جهانی، به کسب ثروت، سرمایه، و فناوری در بازارهای بین‌المللی منجر می‌شود (Dehghani Firoozabadi, 2014, 112). در واقع، قطر با اتخاذ رویکرد چندجانبه‌گرایی در قالب الگوی اقتصاد سیاسی تعاملی-پراکنشی، اهدافی مانند: ۱) حفظ یک محیط سیاسی و امنیتی پایدار برای دستیابی به رشد اقتصادی؛ ۲) توسعه روابط خارجی با قدرت‌های اقتصادی جهانی؛ ۳) گسترده‌سازی حوزه ارتباطی خود برای توسعه روابط اقتصادی؛ و ۴) مطرح شدن به عنوان یک قدرت نوظهور منطقه‌ای و بین‌المللی اثرگذار و دارای وزن را دنبال می‌کند.

## ۲-۲-۱. انطباق‌پذیری با محیط بین‌الملل؛ بستری برای اعمال اقتصاد سیاسی تعاملی

انطباق‌پذیری با محیط بین‌الملل، همواره یکی از موضوع‌های مورد مناقشه نظریه‌پردازان عرصه سیاست خارجی بوده است؛ اما نظریه‌های روابط بین‌الملل و توسعه، همسویی دیپلماسی اقتصادی تعاملی را تسریع‌کننده روند انطباق با محیط بین‌الملل به‌شمار می‌آورند (Yu, 2017, 56-64). در اقتصاد سیاسی تعاملی-پراکنشی، انطباق‌گرایی با محیط جهانی، به این معناست که دولت با رقابتی کردن صنایع داخلی و افزایش قدرت سرمایه‌گذاری خارجی خود، ضمن بازاریابی منطقه‌ای، بر حضور مؤثر جهانی خود می‌افزاید (Lanhoso & Cohelho, 2020, 3). ژنگ در این باره می‌گوید: «زمانی که دولت‌ها با خوانش اقتصاد سیاسی تعاملی، حوزه‌های گوناگونی را برای ائتلاف‌سازی ایجاد می‌کنند، متناسب با آن، بر قدرت





رقابتی خود در نظام بین‌الملل نیز می‌افزایند» (Zheng, 2021, 140-147). این سخن در مورد قطر این‌گونه تفسیر می‌شود که تولیدات این کشور می‌تواند بر مزیت رقابتی آن در نظام بین‌الملل و منطقه خاورمیانه بیفزاید؛ به‌عنوان مثال، می‌توان به تولید شیر شتر به شیوه‌های صنعتی با همکاری شرکت کامیلشس اشاره کرد که این محصول را با بالاترین کیفیت ممکن در سطح منطقه‌ای به کشورهایمانند کویت و عمان صادر می‌کند. همچنین، شرکت‌های «حصاد» و «محاصیل» در قطر، نهادهای کشاورزی مدرنی هستند که به تولید دانه‌های خوراکی، علوفه حیوانی، سبزیجات، ماهی، محصولات پروتئینی در منطقه و صدور آن به کشورهای چون بلژیک، هلند، سنگاپور، کره جنوبی، تایوان، عمان، و کویت می‌پردازند.

این دو شرکت قطری با ساخت مجتمع‌های کشاورزی فوق‌مدرن در کشور استرالیا، محصولات پروتئینی تولیدی خود را به جهان صادر می‌کنند و درعمل، بخشی از تولید گوشت کشور استرالیا نیز از همین طریق و به‌واسطه تولیدات قطری تأمین می‌شود (Karanisa et al., 2021, 4-8). همچنین، تغییر شیوه کشاورزی در قطر به روش هیدروپونیک، یعنی روش‌های آب‌کشت به‌وسیله فناوری‌های مدرن که در کنفرانس و نمایشگاه بین‌المللی کشاورزی قطر در سال ۲۰۱۸ پایه‌ریزی شد (Karanisa, 2020, 3-4) و ساخت مزارع آب‌کشت ارگانیک مانند «الخور» توسط شرکت اگریکو اکوسیستم، شیوه جدیدی برای افزایش مزیت رقابتی قطر در منطقه و جهان به‌وجود آورده است.

### ۳. قطر و دیپلماسی اقتصادی؛ جنبه انبساطی قدرت در اقتصاد سیاسی تعاملی-پراکنشی

دولت‌ها در نظام بین‌الملل با توجه به ژئوپلیتیک زیستی خود، درصدد تعریف حوزه‌های کنشگری برای بقا، رشد، و توسعه قدرتشان هستند. بسیاری از دولت‌ها با توجه به دارایی‌های اقتصادی خود مانند منابع طبیعی (نفت و گاز) از این نقطه عطف در راستای توسعه، بهره‌برداری می‌کنند. به‌گفته فلوریدا<sup>۱</sup>، توسعه اقتصادی معطوف به خلاقیت و نوآوری رهیافتی با تأکید بر عواملی مانند فناوری، استعداد، و تحمل است. وجود فناوری‌های پیشرفته در یک کشور همواره می‌تواند بر شکوفایی استعداد و خلاقیت اجتماعی آن دولت و جامعه تأثیرگذار باشد و موجب تنوع‌بخشی در حوزه اقتصاد شود و چنین نگرشی، به‌معنای نگاه بلندمدت به طرح‌های توسعه‌ای است (Florida, 2019, 135). چشم‌انداز ۲۰۳۰ قطر ثابت کرده است که برای دستیابی به توسعه اقتصادی تعامل محور، وجود یک دولت قوی، ضروری است؛ دولتی که بتواند

<sup>۱</sup> Camelicious

<sup>۲</sup> Florida

همسو با بخش‌های دیگر جامعه، به‌ویژه صنعت و آموزش، حرکت کند و در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی نیز کنشگری هوشمندانه‌ای داشته باشد.

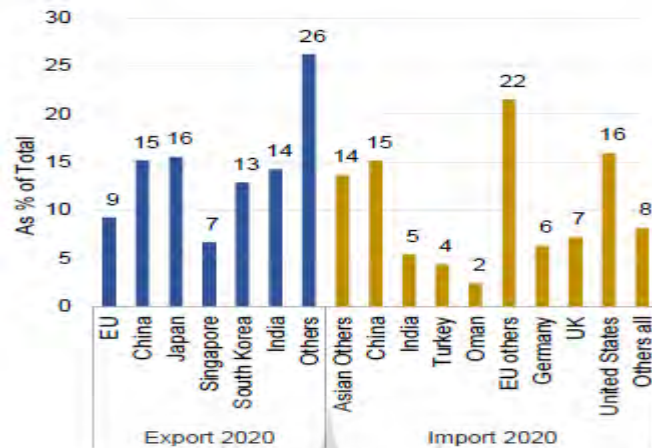
قطر به‌منظور تحقق این هدف با ساخت شهرهای آموزشی و پارک‌های علم و فناوری، نهادسازی‌هایی با رویکرد بین‌الملل‌گرایانه را درپیش گرفته است تا سیستم‌سازی لازم را برای توسعه اقتصادی دانش‌بنیان، به‌سرانجام برساند. اقتصاد مدرن جهانی، مبتنی بر تولید ثروت و دانش و فناوری است که در آن ساختارهای چندگانه‌ای در پیوند متقابل هستند. قطر از ثروت به‌دست‌آمده در فرایند اقتصاد سیاسی نفت و گاز، در راستای گسترش وجه انبساطی قدرت استفاده کرده است؛ به‌عنوان مثال، کنشگری این کشور در نظم منطقه‌ای و تلاش برای اتحادسازی با کشورهایمانند ترکیه و افزایش سرمایه‌گذاری‌ها در اروپا و شرق آسیا، نمونه‌هایی از وجه انبساطی اقتصاد این کشور به‌شمار می‌آیند (Gremm, 2018, 81). از جمله اقدامات قطر که می‌توان از آن‌ها به‌عنوان اقداماتی برای توسعه سطح وجه انبساطی اقتصاد یاد کرد، توسعه و ارتقای سطح روابط دوجانبه این کشور با کشورهای عضو اتحادیه اروپا بوده است. تأسیس انجمن دوستی قطر و اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۲ به این نکته مهم اشاره دارد که اتحادیه اروپا، شریک تجاری بالقوه قطر است. رشد تجارت اقتصادی این کشور از ۳۸ میلیارد دلار در طول سال‌های ۲۰۱۶-۲۰۱۵، به ۱۴۵ میلیارد دلار در سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۹ و تبدیل شدن اتحادیه اروپا به دومین شریک تجاری بزرگ کشورهای شورای همکاری خلیج فارس با تأکید بر قطر، نشان‌دهنده بین‌المللی شدن اقتصاد این کشور و توسعه وجه انبساطی اقتصادی این کشور در مسیر توسعه‌یافتگی است. به‌طور کلی، از میان شرکای تجاری قطر می‌توان به آمریکا با ۱۶ درصد از کل واردات قطر اشاره کرد که به بزرگ‌ترین شریک تجاری این کشور تبدیل شده است. پس از آمریکا، چین با ۱۲ درصد واردات قرار دارد و کشورهای آلمان، انگلیس، هند، ترکیه، و عمان در رده‌های بعدی جای می‌گیرند. بقیه کشورهای جهان نیز ۴۲ درصد از حجم تجارت این کشور را به خود اختصاص داده‌اند که در میان آن‌ها، کشورهای اروپایی ۱۷ درصد، کشورهای آمریکای لاتین ۱۳ درصد، و سایر کشورهای آسیایی ۱۲ درصد از حجم تجارت قطر را در قالب صادرات و واردات به خود اختصاص داده‌اند که در شکل شماره (۱) نمایش داده شده است.

درواقع، تقویت وجه انبساطی قدرت، نیازمند این است که کشورها ضمن تقویت چارچوب‌های نهادی و توجه به قوانین بین‌المللی، نوعی سیاست خارجی تنش‌زدا و فعال را درپیش گیرند. بر همین اساس، قطر در برخی از زمینه‌ها، پیشرفت‌هایی داشته است؛ به‌گونه‌ای که صندوق بین‌المللی پول، این کشور را به‌لحاظ شاخص‌های شفافیت، به‌عنوان یک دولت خوب معرفی کرده و در گزارش چهارم خود درباره مدیریت



نظام اقتصادی قطر بین سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۶، این کشور را به‌عنوان یک نمونه موفق ارزیابی کرده است. همچنین، در گزارش سال ۲۰۲۰ کمیسیون اتحادیه اروپا، قطر از جمله شرکای راهبردی این اتحادیه در زمینه روابط سیاسی به‌شمار می‌آید.

شکل شماره (۱). صادرات و واردات قطر در سال ۲۰۲۰



Source: Qatar Economic Outlook

مهم‌ترین اهداف ترسیم‌شده میان قطر و اتحادیه اروپا عبارتند از: (۱) گسترش همکاری‌ها به‌منظور تقویت ثبات در منطقه؛ (۲) تسهیل روابط سیاسی و اقتصادی؛ (۳) گسترش همکاری‌های اقتصادی و فنی؛ (۴) افزایش و ارتقای روابط در حوزه‌های انرژی، صنعت، تجارت، خدمات، و سرمایه‌گذاری (European Commission, 2020). وجه دیگر این راهبرد اعمالی قطر، رسیدن به توسعه پایدار با تأکید بر وارد کردن فناوری‌های نوین به داخل است که این مسئله سبب بالا رفتن سطح توسعه انسانی و توسعه اجتماعی شده است؛ به‌عنوان نمونه، بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۸، با گسترش روابط قطر و نروژ (Adami & Ansari, 2020, 36) در زمینه رشد دانش خلاق، فناوری، دستیابی به سامانه‌های کشاورزی نوین و متحول‌سازی اقتصاد انرژی، ظرفیت قدرت بین‌المللی این کشور افزایش یافته است. به‌طور کلی، اگرچه بحران دیپلماتیک سال ۲۰۱۷ بر شرایط قطر تأثیرگذار بود، اما این کشور از سال ۲۰۱۹ و با توجه به گزارش صندوق بین‌المللی پول، روند روبه‌رشد اقتصادی خود را پیموده است که می‌تواند در سال‌های بعد نیز ادامه‌دار باشد و در عمل، GDP این کشور با وجود پیمودن یک روند ثابت در طول سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۱۹، پایداری خود را در طول سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۲۱ حفظ کرده است که نتیجه آن برای سال‌های آینده، رشد پایدار خواهد بود.



جدول شماره (۱). رشد اقتصادی قطر بر اساس سال (درصد)

شاخص‌ها	۲۰۱۹	۲۰۲۰	۲۰۲۱	۲۰۲۲	۲۰۲۳	۲۰۲۴
تولید ناخالص داخلی	۱/۴	۲/۹	۲/۸	۳/۸	۳/۳	۳/۹
مصرف دولتی	۳/۵	۴/۵	۳/۵	۴/۵	۳/۵	۲/۹
صادرات کالا و خدمات	۱/۱	۲/۵	۳/۵	۵/۰	۴/۵	۴/۲
واردات کالا و خدمات	۶/۰	۵/۰	۷/۵	۹/۰	۶/۵	۶/۰
تقاضای داخلی	۲/۷	۴/۲	۴/۶	۴/۹	۳/۷	۳/۸
کشاورزی	-۱/۵	۳/۵	۵/۵	۸/۰	۷/۱	۶/۴
صنعت	۱/۲	۰/۹	۳/۵	۲/۸	۵/۵	۱۷/۲
خدمات	۱/۳	۲/۲	۲/۵	۴/۰	۲/۵	۳/۱

Source: Nephew, 2020, 18

### ۱-۳. دیپلماسی اقتصادی تعاملی قطر و الگوهای انطباقی در شرق و غرب

بر اساس شاخص‌های سرانه ضریب جینی، تولید ناخالص داخلی در سال پایه ۲۰۱۷، مؤلفه‌های توسعه انسانی، و نرخ امید به زندگی، قطر بین سال‌های ۲۰۱۹-۲۰۱۸ به‌عنوان یکی از ثروتمندترین و مهم‌ترین کشورهای شناخته‌شده در میان کشورهای جهان انتخاب شده است (UsToday, 2019). این کشور به‌دلیل دغدغه‌های امنیتی-اقتصادی و سیاسی، در صدد بوده است تا میان اقتصاد ملی و حوزه اقتصاد بین‌الملل، ارتباطی اندام‌وار برقرار کند. برپایه گزارش داده‌های آماری صندوق بین‌المللی پول در اکتبر ۲۰۲۰، قطر با تولید ناخالص داخلی به ارزش تقریبی ۱۴۸ میلیارد دلار، در رتبه ۵۶ جهان قرار گرفته است. پیوندهای اقتصادی-تجاری قطر در چارچوب اقتصاد سیاسی تعاملی-پراکنشی با کشورهای چینی، ژاپن، کره جنوبی، چین، هند، سنگاپور، تایلند، پاکستان، ایتالیا، بلژیک، انگلستان، ایالات متحده آمریکا و... نشان‌دهنده ارتباط اقتصاد ملی این کشور با اقتصاد سیاسی جهانی است. گفتنی است، عمده‌ترین مصرف‌کننده گاز طبیعی مایع (LNG) این کشور، دولت‌های شرق آسیا، یعنی کره جنوبی، سنگاپور، تایلند، ژاپن، و چین هستند. همان‌گونه که در قسمت چارچوب نظری اشاره شد، دولت‌ها برای تنوع‌بخشی به الگوهای رفتاری در بستر اقتصاد، در پی دنبال کردن رهیافت‌های چندجانبه‌گرایانه هستند؛ به‌عنوان مثال، شرکای تجاری قطر در بخش واردات در سال ۲۰۱۹ شامل کشورهای چین، آلمان، انگلستان، هند، آمریکا، عمان، کره جنوبی، و

۱ Liquefied Natural Gas

ژاپن بوده‌اند (Trend Economy, 2019).

به‌طور کلی، الگوی اقتصادی قطر در منطقه خاورمیانه در حوزه دیپلماسی انرژی، مبتنی بر منطق نظریه مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای و خارج از منطقه بوده است. در این الگو، قطر به‌عنوان فروشنده انرژی به کشورهای چو ترکیه در خاورمیانه و انگلستان در اروپا، با آن‌ها پیوندی راهبردی دارد تا در منطقه و جهان به‌عنوان یک دولت تعامل‌گرا با رویکرد امنیت‌ساز عمل کند و حوزه نفوذ راهبردی خود را گسترش دهد (کریمی‌پور و دیگران، ۱۳۹۶، ۱۸۵-۱۸۴). همچنین، براساس آمار سازمان برنامه‌ریزی قطر در اوت ۲۰۲۱، درآمد کل صادرات قطر به کشورهای چو بلژیک، آلمان، فرانسه، آمریکا، چین، و سنگاپور، حدود ۲۷۳ میلیارد دلار بوده است که نسبت به آمار اوت ۲۰۲۰، ۹۴/۳ درصد افزایش داشته است. برپایه این آمار، پنج شریک اصلی اقتصادی این کشور، جزء دولت‌های گروه G7 هستند که نشان‌دهنده سطح روابط شبکه‌ای قطر و رویکرد بین‌الملل‌گرایانه و فرامنطقه‌ای اقتصاد سیاسی این کشور در نظام بین‌الملل است.

رویکرد اقتصاد سیاسی قطر در طول یک دهه گذشته، همواره مبتنی بر سند چشم‌انداز ۲۰۳۰ بوده است. به‌طور کلی، این سند با هدف کاهش وابستگی به اقتصاد سیاسی هیدروکربنی، تنوع‌سازی در اقتصاد را به‌عنوان اقدامی اعلامی و اعمالی درپیش گرفته است. در همین راستا، ابتکار طرح شهرسازی هوشمند<sup>۱</sup> به‌عنوان یکی از مسیرهای تنوع‌بخشی به اقتصاد قطر مطرح بوده است. ابتکار شهرسازی هوشمند به‌عنوان طرح توسعه داخلی قطر، به‌این معناست که با ایجاد بسترهای فناورانه در جامعه و بهینه‌سازی کارایی خدمات شهری به‌عنوان بال اجرایی اقتصاد سیاسی دانش‌بنیان، مزایای اقتصادی آن در پذیرش سرمایه‌گذار خارجی و پیوندسازی بین‌المللی می‌تواند برای قطر تا سال‌های ۲۰۲۶-۲۰۲۷ دست کم ۲۰ تریلیون دلار صرفه اقتصادی داشته باشد که با همراهی شرکت‌هایی مانند اشنایدر الکترونیک فرانسه<sup>۲</sup>، سیسکو سیستمز آمریکا<sup>۳</sup>، زیمنس آلمان<sup>۴</sup> و شرکت هیتاچی ژاپن به‌دست خواهد آمد. به‌باور حاکمان قطر، طرح



۱۰۶

پژوهش‌نامه ایرانی  
سیاست بین‌الملل،  
سال ۱۲، شماره ۱، شماره  
پیاپی ۲۳، پاییز و زمستان  
۱۴۰۲

۱ Speech Act & Performative

۲ Smart Cities Initiative

۳ Schneider Electric

۴ Cisco Systems

۵ Siemens

۶ Hitachi

شهرسازی هوشمند یک فرصت ارزشمند برای توسعه پایدار منطقه‌ای و بین‌المللی است که می‌تواند در افزایش نفوذ بین‌المللی این کشور به‌عنوان یک قدرت هوشمند، مؤثر باشد. با درک این قابلیت بزرگ، ابتکار شهرسازی هوشمند به‌عنوان یکی از ارکان چشم‌انداز توسعه ۲۰۳۰ قطر، معروف به «قطر هوشمند» در نظر گرفته شده است (Zweiri, 2021, 190). در همین چارچوب، برگزاری همایش و نمایشگاه دستاوردهای فناوری اطلاعات قطر که در سال ۲۰۱۷ به‌عنوان بزرگ‌ترین رویداد فناوری اطلاعات برگزار شد، نشان‌دهنده تلاش این کشور برای تنوع‌آفرینی در حوزه اقتصاد از مسیر اقتصاد سیاسی دانش‌بنیان است. طرح اجرایی «تسمو» که از جمله برنامه‌های توسعه اقتصادی پایدار در مسیر متنوع‌سازی اقتصاد قطر در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی است، یکی دیگر از برنامه‌های این کشور برای ایجاد پیوند میان اقتصاد ملی قطر و اقتصاد بین‌الملل به‌شمار می‌آید. ابتکار چنین طرحی از سوی دولت قطر، به‌این‌معناست که با هوشمندسازی شهری و ایجاد تنوع در اقتصاد می‌توان تا ۵ درصد به رشد اقتصادی این کشور افزود و تولید ناخالص داخلی را تا سال ۲۰۲۲ به ۲۷۵ میلیارد دلار رساند (Zibaei, 2020, 326). این درآمدها سبب می‌شود که قطر بتواند از فرصت سرمایه‌گذاری خارجی در داخل برای شبکه‌سازی اقتصادی در خارج استفاده کند؛ به‌عنوان نمونه می‌توان به تلاش اتاق بازرگانی و صنعت قطر برای افزایش سطح سرمایه‌گذاری‌های خارجی دولت‌ها و شرکت‌های بین‌المللی در این کشور در راستای توسعه شهرک‌هایی مانند لوسیل اشاره کرد که جنبه تجاری-اقتصادی داشته و محرک توسعه اقتصادی قطر به‌شمار می‌آیند.

یکی دیگر از طرح‌های متنوع‌سازی اقتصادی قطر که از آن به‌عنوان طرح پیوند قطر با جهان یاد می‌شود، طرح جدید این کشور مبنی بر کاهش انتشار گاز است. اساساً طرح کربن‌زدایی و کاهش انتشار گاز و جداسازی سالانه بیش از ۷ میلیون تن دی‌اکسید کربن از سال ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۷ به‌طور پیوسته، می‌تواند اقتصاد قطر را به‌سوی سرمایه‌گذاری سبز بین‌المللی سوق دهد. این طرح پویا و حیاتی، قطر را به نخستین کشور جهان تبدیل می‌کند که از سامانه پایدار و بدون آلاینده، به‌ویژه در بخش حمل‌ونقل، استفاده می‌کند. در واقع، در سند چشم‌انداز ۲۰۳۰ قطر، راهبرد توسعه اقتصادی و اقتصاد سیاسی تعاملی-پراکنشی، دربردارنده اصول کارآمدسازی اقتصاد ملی و پیوند آن با اقتصاد بین‌الملل، اتخاذ رویکردهای مسئولانه برای مدیریت منابع طبیعی، و ایجاد یک اقتصاد دانش‌بنیان است که طرح‌هایی مانند تسمو، شهرسازی



۱ Smart Qatar

۲ QITCOM



هوشمند، و طرح کاهش انتشار گاز برای توسعه سامانه حمل و نقل و همچنین، توسعه شهرک‌های تجاری مانند لوسیل، از نمونه‌های آن به‌شمار می‌آیند. دولت قطر در راستای تحقق چنین اهدافی در حوزه توسعه و تنوع اقتصادی، به نهادسازی روی آورده است.

سازمان سرمایه‌گذاری قطر نیز به‌عنوان متولی تنوع‌بخشی به رهیافت‌های اقتصاد سیاسی و دیپلماسی اقتصادی این کشور و با حوزه فعالیت جهانی و مدیریت سرمایه‌گذاری خارجی تشکیل شده است. این سازه داخلی در بازارهای بین‌المللی، از جمله در ایالات متحده آمریکا، اروپا، و آسیا-اقیانوسیه، سرمایه‌گذاری‌هایی انجام داده است که در قالب ایده هم‌پیوندی فرامنطقه‌ای و چندجانبه‌گرایی اقتصادی قابل تبیین است. این سازمان با بسیاری از شرکت‌های چندملیتی در بخش‌های صنعتی گوناگون، در ارتباطی همبسته است و به‌نوعی بخشی از سهام این شرکت‌ها را خریداری کرده است؛ به‌عنوان نمونه می‌توان به خرید سهام گروه فولکس‌واگن (۱۵/۶ درصد)، رویال داچ شل (۳ درصد)، بارکیلز (۸/۶ درصد)، کردیت سوئیس (۵/۲ درصد)، بورس لندن (۱۵/۴ درصد)، میراماکس فیلمز (۱۰۰ درصد)، و آلفابانک اشاره کرد که به‌نوعی نشان‌دهنده قدرت اقتصادی سیاست‌های چندجانبه‌گرایانه این کشور در سطح بین‌الملل است. همچنین، این سازمان که نوعی نهاد توسعه‌خواه اقتصادی به‌شمار می‌آید، به‌پشتوانه درآمدهای هنگفت ناشی از فروش گاز مایع، اقدام به خرید سهام در منطقه و فرامنطقه کرده است. خرید ۴۰ درصد از سهام شرکت «بنویت» ترکیه که از جمله شرکت‌های مواد غذایی مطرح در خاورمیانه است به ارزش ۱۹۳ میلیارد دلار، برقراری روابط اقتصادی در حوزه انرژی با شرکت «روس‌نفت» روسیه و خرید ۹/۸ درصد از سهام این شرکت به ارزش ۶/۹ میلیارد دلار در طول سال‌های ۲۰۱۹-۲۰۱۶ نمونه‌هایی از این اقدام به‌شمار می‌آیند. در برنامه سرمایه‌گذاری قطر، دولت‌های کلیدی نظام جهانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند؛ زیرا، به‌نظر نظام حکومتی این کشور، ائتلاف‌سازی با قدرت‌های مطرح بین‌المللی، بر میزان نفوذ، اثرگذاری، و وزن بخشی جهانی به این کشور، کمک شایانی می‌کند؛ برای مثال، طرح سرمایه‌گذاری قطر در انگلستان که نزدیک به ۳۵ میلیارد پوند ارزش اقتصادی دارد، این کشور را به مالک ۱۲ درصد از سهام کل بازار بورس لندن تبدیل کرده است. همچنین، انجام خدمات تجاری-مالی در حوزه بانکداری بین‌المللی با نهادهایی مانند کردیت سوئیس و دارا بودن بیش از ۱۰ درصد از سهام برج تجاری «اسپایر استیت» در نیویورک، به‌معنای اعمال یک دیپلماسی فعال بین‌المللی در پرتو شبکه‌سازی چندجانبه‌محور اقتصادی به‌منظور قدرت‌سازی است (Mason, 2020, 164). آمار و ارقام یادشده، نشان‌دهنده اقتصاد سیاسی تعاملی-پراکنشی قطر با نظام بین‌المللی است که سبب می‌شود این کشور بتواند در قالب ایده هم‌پیوندی

اقتصادی جهانی در نظام بین‌الملل، به‌عنوان یک قدرت اثرگذار در منطقه مطرح شود. بانک مرکزی قطر با همراهی سازمان سرمایه‌گذاری این کشور طی سال‌های ۲۰۱۹-۲۰۱۸، در یک ارتباط درون‌نهادی داخلی، حدود ۳۵۰ میلیارد دلار به دولت کمک مالی کردند تا دولت بتواند در طرح‌های سرمایه‌گذاری بین‌المللی و سرمایه‌گذاری خارجی، با قدرت، کنشگری کند. در همین راستا، گفت‌وگوهای راهبردی میان قطر و ایالات متحده آمریکا در ژانویه ۲۰۱۸ باعث شد که QIA با ۴۵ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری مالی-تجاری در شرکت‌های چندملیتی مستقر در نیویورک و واشنگتن مانند آلفابت، مایکروسافت، ام‌بی‌ام گلوبال سرویسز<sup>۱</sup> و استون‌سافت، همکاری دوجانبه و تعاملی داشته باشد. همچنین، قطر با خرید ۱۰ درصد از سهام شرکت «اکسیس اینداستریز»<sup>۲</sup> ایالات متحده آمریکا به ارزش ۲۱۳ میلیارد دلار، با بخش صنعت و خدمات آمریکا پیوندی نزدیک برقرار کرده است. در سال ۲۰۰۴، موافقت‌نامه‌ای در راستای تجارت و سرمایه‌گذاری میان قطر و آمریکا امضا شد که در چارچوب این موافقت‌نامه، قطر در طرح‌های سرمایه‌گذاری شهری در نیویورک و واشنگتن، مشارکت فعالی دارد و همچنین، براساس این قرارداد می‌تواند تعدادی از شعب دانشگاه‌های مطرح آمریکا مانند کرنل، کارنگی ملون، و جرج تاون را در داخل قطر تأسیس کند. برپایه آمار تجارت خارجی، در سال ۲۰۲۰ صادرات آمریکا به قطر، حدود ۳۰۴ میلیارد دلار و واردات این کشور از قطر حدود ۱/۲ میلیارد دلار بوده است. اقلام صادراتی آمریکا به قطر بیشتر شامل هواپیما، ماشین‌آلات، و فناوری‌های اطلاعاتی و واردات آمریکا از قطر نیز شامل فرآورده‌های نفتی است که این ارتباطات دوجانبه، بیانگر پیوستگی دو کشور است. در سال ۲۰۱۹ شرکت صنایع شیمیایی آمریکا، موسوم به «شورون فیلپس» و «قطر پترولیوم» با انعقاد یک قرارداد دوجانبه در حوزه اقتصاد انرژی و توسعه ساخت یک مجمع پتروشیمی در قطر موافقت کردند که این شرکت پتروشیمی می‌تواند هموارکننده مسیر اقتصاد انرژی قطر با بازارهای جهانی و پیوند با کشورهای دیگر جهان باشد.

#### ۴. قطر و حضور اقتصادی آن در منطقه غرب آفریقا؛ الگوسازی برای تنوع اقتصادی

شیخ تمیم بن حمد آل ثانی، طی سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۱۶ سفرهای دیپلماتیکی به کشورهای منطقه غرب

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

<sup>۱</sup> Qatar Investment Authority (QIA)

<sup>۲</sup> IBA Global Services

<sup>۳</sup> Axis Industries

<sup>۴</sup> Trade and investment framework Agreement (TIFA)





آفریقا داشت. چنین حرکتی از سوی دولت قطر، به معنای شبکه‌سازی برای قدرت‌افزایی اقتصادی و توسعه نفوذ ژئوپلیتیکی است که به نوعی بیانگر اقتصاد سیاسی تعاملی-چرخشی قطر در مناطق جغرافیایی گوناگون است. دولت قطر در این راستا تأکید داشته است که حضور قوی و پایدار در این نقطه ژئوپلیتیکی، هم به لحاظ سیاسی و هم به سبب حضور در مجموعه اقتصادی کشورهای غرب آفریقا (اکواس) می‌تواند در متنوع‌سازی و گسترده شدن شبکه اقتصادی قطر و قدرت‌یابی این کشور مؤثر باشد. در سال ۲۰۱۷ قطر اعلام کرده است که در صدد پروژه‌سازی اقتصادی و افزایش سطح همکاری‌های تجاری اقتصادی در آفریقا با تأکید بر کشورهایی مانند سنگال، مالی، بوركینافاسو، غنا، و ساحل عاج است (Auge, 2017, 12-26) و در این راستا قراردادهایی را با این کشورها منعقد کرده است که بسیاری از آنها مربوط به حوزه‌های توسعه اقتصادی پایدار، بهداشت، اشتغال، انرژی، و ورزش بوده‌اند؛ به عنوان مثال، قرارداد دوجانبه میان قطر و مالی در زمینه تعلیم و تربیت در حوزه آموزش و اقتصاد به ارزش ۴۰ میلیون دلار، نشان‌دهنده تلاش قطر برای شبکه‌سازی خوشه‌ای در قالب اقتصاد سیاسی تعاملی-پراکنشی است که در عمل، سبب بهبود وجهه فرهنگی قطر در سطح نظام بین‌الملل نیز می‌شود.

#### ۴-۱. قطر و توسعه اقتصادی در غرب اروپا؛ پیگیری الگوی والونی‌سازی اقتصاد سیاسی

توسعه روابط اقتصادی در قالب شبکه‌سازی خوشه‌ای به منظور تأمین منافع، کسب مشروعیت، و افزایش وجهه بین‌المللی، از جمله اهداف و برنامه‌های کلان قطر در حوزه اقتصاد با تأکید بر کشورهای غرب اروپا یعنی هلند، بلژیک، و آلمان است. قطر و هلند، دارای ویژگی‌های مشترکی هستند؛ به عنوان نمونه، هر دو آنها به لحاظ جغرافیایی، نسبتاً کوچک، و هر دو دارای آرمان اقتصادی جهانی با رویکرد بین‌الملل‌گرایی تعامل محور هستند. هدف دولت قطر در حوزه اقتصاد سیاسی تعاملی، تأمین منافع در فراسوی مرزهای جغرافیایی به وسیله ارتقای سطح دیپلماسی اقتصادی و انطباق‌گرایی در سیاست خارجی است. روابط تجاری و سرمایه‌گذارانه میان قطر-هلند بین سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸، سالانه حدود ۱ میلیارد دلار بوده است. هلند از جمله کشورهای اروپایی است که در نتیجه بسترسازی دولت قطر برای جذب سرمایه خارجی در حوزه‌هایی چون انرژی، معماری، کشاورزی، مراقبت‌های بهداشتی، مشاوره‌های آموزشی، و مهندسی قطر فعالیت می‌کند. هلند و قطر در طرح شراکت تجارت بین‌الملل که در سال ۲۰۱۹ میان دو کشور امضا شد، در صدد همراهی و تعامل دوجانبه و هم‌پیوندی اقتصادی بوده‌اند. همچنین، همکاری بندر «روتتردام» هلند با بندر «راس‌الفان» قطر در زمینه فعالیت‌های دریایی و توسعه مشاغل مربوط به آن و توجه به صنعت LNG، از دیگر مسیرهای همکاری هلند-قطر در قالب اقتصاد سیاسی تعاملی است که در همین راستا، بخشی از

فناوری شرکت ویتول و آرگوس انرژی هلند به قطر منتقل شده است و هزینه این انتقال را بانک کردیت یوروپ<sup>۱</sup> و گروه آی‌ان‌جی تأمین کرده‌اند.

یکی دیگر از کشورهای غرب اروپا که با قطر در تعامل است، بلژیک است. قطر و بلژیک به‌عنوان دو متحد راهبردی، روابط برجسته و چشمگیری با یکدیگر دارند. این دو کشور از سال ۲۰۰۴ به این سو در حوزه اقتصاد و سیاست به توسعه سطوح روابط خود پرداخته‌اند که نشان‌دهنده نزدیکی دو کشور به یکدیگر است. بین سال‌های ۲۰۰۶-۲۰۰۷ با سفر شیخ حمد آل ثانی به بلژیک و در پی آن، سفر فیلیپ به قطر در رأس یک هیئت تجاری و همچنین، ورود نخستین کشتی حامل گاز مایع از قطر به بندر «زیبارگه»<sup>۲</sup> و بندر «آنتروپ»، توسعه روابط قطر و بلژیک رسماً آغاز شد (Miniaoui, 2021, 66). دو کشور در نتیجه افزایش ارتباطات اقتصادی و سیاسی، چندین توافق‌نامه دوجانبه را میان خود امضا کرده‌اند که قرارداد مشاوره در حوزه مشارکت‌های سیاسی (که به عرصه‌های حکمرانی خوب مربوط می‌شود) در سال ۲۰۱۳، توافق‌نامه پرهیز از دریافت مالیات مضاعف در سال ۲۰۰۷، و توافق برای تشویق سرمایه‌گذاری دوجانبه در سال ۲۰۰۸ از جمله این موافقت‌نامه‌ها است. از دیدگاه ساختار تصمیم‌گیر قطر، توسعه روابط با بلژیک به‌عنوان یک کشور اروپایی و توانمند در حوزه اقتصاد و همچنین، سهولت کسب و کار، می‌تواند به قطر در پیشبرد اقتصادسازی متنوع تعاملی و دانش‌محور کمک کند. همکاری‌های دوجانبه قطر و بلژیک، تنها محدود به اقتصاد و سیاست نبوده و در بسترهای آموزشی، توسعه نهادهای دانشگاهی مانند تغییر در سرفصل‌های آموزشی دانشگاه ملی قطر، و توافق‌نامه‌های همکاری میان دانشگاه «هاسلت» با سازمان حمل‌ونقل و ترافیک قطر برای مدیریت و حکمرانی شهری، نیز توسعه یافته است. کلان‌روایت قطر از همکاری با دانشگاه هاسلت، توسعه برنامه‌ریزی پژوهشی در سطح دانشگاهی، هموارسازی مسیر گذار به اقتصاد دانش‌بنیان و توسعه اقتصادی پایدار، مدیریت شهری کارآمد، و ارتقای سطح گردشگری است. در کنار این ارتباطات دوجانبه، تشکیل مجمع اقتصادی قطر-بلژیک در سال ۲۰۱۸ بیانگر گسترش روابط تعاملی-پراکنشی به‌منظور والونی‌سازی (متنوع‌سازی جهانی) اقتصاد سیاسی بوده است. این الگوی اقتصادی، به این معناست که برای تنوع‌بخشی در حوزه اقتصاد و توسعه یافتگی اقتصادی، لازم است که



۱۱۱

اقتصاد سیاسی  
تعاملی-پراکنشی؛ الگوی  
نوین قطر برای  
قدرت‌سازی ژئوپلیتیک

- ۱ Vitol & Argos Energy
- ۲ Credit Europe Bank
- ۳ International Netherlands Group (ING)
- ۴ Zeebrygge



الگویابی نوین و متنوعی که در پرتو انطباق‌گرایی بین‌المللی باشد، انجام شود تا کشورها به هاب منطقه‌ای-جهانی به‌عنوان یک الگوی توسعه‌گرا تبدیل شوند. با توجه به این سیاست، ساخت مجمع اقتصادی میان دو کشور بین سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۱۸ سبب شد که حجم تجارت دوجانبه قطر و بلژیک به ۹۳۸ میلیون دلار برسد (Gulf Times, 2018).

یکی دیگر از کشورهایی که قطر در راستای پیگیری اقتصاد سیاسی تعاملی و به‌منظور متنوع‌سازی اقتصاد، ارتباطات گسترده‌ای با آن برقرار کرده است، آلمان است. آلمان و قطر از جمله شرکای اقتصادی‌ای هستند که در سطوح گوناگون دوجانبه، با یکدیگر ارتباط دارند. در سال ۲۰۱۹، ارزش صادرات آلمان به قطر، حدود ۱۰۵ میلیارد یورو و واردات آلمان از قطر، تقریباً ۳۰۰ میلیون یورو بوده است. وسایل نقلیه موتوری، هواپیما، و ماشین‌آلات صنعتی از جمله کالاهای ردوبدل‌شده میان دو کشور بوده‌اند. شرکت‌های آلمانی بیشتر در ساخت نیروگاه، تولید انرژی‌های پاک، صنعت ساختمان‌سازی، و زیرساخت‌های حمل‌ونقل شهری در قطر فعالیت می‌کنند. همچنین، از سال ۲۰۱۷ به‌این‌سو و پس از تشکیل کمیسیون مشترک اقتصادی قطر-آلمان، سطوح همکاری‌های اقتصادی و هموارسازی مسیر والونی‌سازی اقتصاد سیاسی تعاملی-پراکنشی قطر با سرعت زیادی به‌پیش می‌رود (Sibabrata et.al., 2018, 20-46). همچنین، قطر یکی از بزرگ‌ترین سرمایه‌گذاران خارجی در آلمان است که دارای قابل‌توجهی در شرکت‌هایی چون فولکس‌واگن، دوپچه‌بانک، زیمنس، و هاپاگ‌لویسد دارد. افزون‌براین، دو کشور در سطوح آموزشی-دانشگاهی نیز دارای ارتباطات دوجانبه‌ای هستند؛ به‌عنوان مثال، مدرسه بین‌المللی آلمان در سال ۲۰۰۸-۲۰۰۷ در دوحه افتتاح شد و از سال ۲۰۱۷-۲۰۱۶ آموزش‌های بین‌المللی را به زبان آلمانی و با آموزش آن به دانشجویان آغاز کرد؛ گفتنی است فرایند گسترش روابط در سطح آموزش در پیوند با بخش صنعت، به‌منظور تقویت اقتصاد دانش‌بنیان انجام شد. در کنار روابط یادشده، قطر و آلمان در راستای گسترش روابط فرهنگی با یکدیگر ارتباطاتی داشته‌اند؛ به‌عنوان نمونه، مجموعه دولتی-هنری درسدن آلمان همراه با موزه ملی قطر، طرح و برنامه‌های مشترکی را در راستای افزایش روابط فرهنگی و بسترسازی برای اشاعه ارزش‌های مشترک میان دو کشور در سطح جهانی انجام داده‌اند. همچنین، گسترش روابط در حوزه‌های ورزشی مانند فوتبال، تنیس روی میز، و ساخت یک آکادمی فوق‌حرفه‌ای به‌نام آکادمی اسپایر<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> QGJEC (German – Qatar joint Economic Commission)

<sup>۲</sup> Aspire

بیانگر گسترش روابط همه‌جانبه قطر و آلمان است (The Peninsula, 2021).

#### ۴-۲. قطر و الگوی اقتصاد چرخشی در شرق آسیا

گسترش سطح روابط اقتصادی قطر، تنها به حوزه اروپا و آمریکا محدود نمی‌شود، بلکه این کشور با توجه به الگوی اقتصاد متنوع و تعاملی و با اعمال یک رهیافت اقتصاد چرخشی<sup>۱</sup> به گسترش روابط اقتصادمحور در شرق آسیا با تأکید بر کشورهایی چون سنگاپور و ژاپن نیز توجه داشته است. یکی از اهداف راهبردی دیپلماسی اقتصادی فعال قطر (برپایه سند چشم‌انداز ۲۰۳۰ و برنامه‌های توسعه ملی ۲۰۲۲-۲۰۱۶) افزایش روابط اقتصادی با کشورهای نوظهور در نظام بین‌الملل است که سنگاپور و ژاپن در این چارچوب قرار می‌گیرند. ظرفیت‌های اقتصاد انرژی و پتروشیمی، از جمله بسترهای همکاری دوجانبه میان قطر و سنگاپور به‌شمار می‌آیند (Ervin Tok, 2016, 309-320). گفتنی است، اندازه جغرافیایی یک کشور در نظام بین‌الملل در حال گذار، به موفقیت آن در توسعه ربط چندانی ندارد، بلکه تعریف مسیرهای جدید برای همگرایی تعامل محور در حوزه ژئواکونومیک، از جمله راهبردهای توسعه‌ای کشورها است که قطر و سنگاپور آن را به گونه‌ای مناسب انجام می‌دهند.

در سال ۲۰۱۹، حجم تجارت سنگاپور با قطر بیش از ۱۰/۶ میلیارد دلار بوده است که این رقم در سال ۲۰۲۰، با توجه به همه‌گیری کرونا، دچار مقداری افت شده است؛ اما تحلیلگران حوزه اقتصاد بین‌الملل ادعا می‌کنند که بین سال‌های ۲۰۲۲-۲۰۲۴ حجم تجارت میان سنگاپور و قطر به حدود ۱۳/۶ میلیارد دلار خواهد رسید. بخش زیادی از تجارت میان دو کشور مربوط به عرصه اقتصاد سیاسی هیدروکربنی بوده که قطر را به بزرگ‌ترین شریک تجاری سنگاپور در حوزه گاز مایع تبدیل کرده است (Alagos, 2021). شورای تجارت سنگاپور-قطر<sup>۲</sup> که در سال ۲۰۱۷ ایجاد شد، به‌عنوان یک مجموعه اقتصادی، در ایجاد فرصت برای سرمایه‌گذاری در حوزه‌های انرژی، محیط‌زیست، برنامه‌ریزی شهری، حکمرانی الکترونیک، و دیجیتالی‌سازی نظام سیاسی (دولت الکترونیک) به تعیین اولویت و هدف‌گذاری پرداخته است. همچنین، متناسب با تشکیل این نهاد، قطر در سال ۲۰۱۸، به‌میزان ۱/۳ میلیارد دلار در بخش‌های مالی، بیمه، دولت، و بورس سنگاپور سرمایه‌گذاری کرده است. گسترش سطح روابط همه‌جانبه میان دو کشور سبب



۱۱۳

اقتصاد سیاسی  
تعاملی-پراکنشی: الگوی  
نوین قطر برای  
قدرت‌سازی ژئوپلیتیک

<sup>۱</sup> Circular Economic

<sup>۲</sup> Singapore Business Council Qatar (SBCQ)



شده است که قطر و سنگاپور، به‌عنوان اعضای فعال و سازنده نظام بین‌الملل شناخته شوند و این گسترش روابط، در کسب وجهه و مشروعیت به آنان کمک کرده است.

ژاپن یکی دیگر از کشورهای متحد قطر در شرق آسیا است. روابط میان قطر و ژاپن، که از دهه ۱۹۸۰ برقرار شده است، از جنبه‌های اقتصادی، شامل بسترهای سرمایه‌گذاری، آموزشی، تحقیقات علمی-پزشکی، علم و فناوری، گردشگری، توسعه زیرساخت‌های داخلی، و توانمندسازی منابع انسانی برای حکمرانی شایسته است. نهادهایی مانند انجمن دوستی دو کشور و اتحادیه پارلمانی ژاپن در گسترش روابط دوجانبه که شامل شرکت‌های دولتی-خصوصی می‌شود، نقش پررنگی دارند. در حوزه اقتصادی، قطر بزرگ‌ترین کشور عرضه‌کننده نفت و گاز به ژاپن است و حجم تجارت میان دو کشور در طول سال‌های ۲۰۱۶-۲۰۱۲ به ۳۳/۷ میلیارد دلار رسیده بود (Aguilar, 2020). همچنین، تعریف طرح‌های اقتصادی در قالب انرژی‌های خورشیدی در سال ۲۰۱۹، یکی دیگر از بسترهای ارتباطی قطر و ژاپن به‌شمار می‌آید که چنین طرحی میان دو کشور به ایجاد رویکرد اقتصاد چرخشی و تعامل محور پراکنشی و نیز کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد سیاسی هیدروکربنی بسیار کمک می‌کند.

روابط قطر با چین نیز از جمله حوزه‌های ارتباطی در محدوده شراکت راهبردی است. روابط بین دو کشور به‌واسطه برنامه یک کمربند یک راه در حوزه‌های زیر به بستر برای همکاری راهبردی تبدیل شده است که عبارتند از: هماهنگی سیاست‌ها، اتصال، تجارت، سرمایه‌گذاری، همکاری انرژی و مالی، روابط نظامی، گردشگری و فرهنگی. به‌طور کلی سومین شریک تجاری قطر، کشور چین است که با ۱۰/۹۲ درصد از کل حجم تجارت، به یکی از شرکای مهم منطقه‌ای آن تبدیل شده است. همچنین، همکاری چین در ساخت ورزشگاه لوسیل برای برگزاری جام جهانی فوتبال، ارتباطات در حوزه انتقال فناوری 5G و ایجاد یک شبکه مجازی سایبری با طیف ۳/۵ گیگاهرتز، از دیگر حوزه‌های تعاملی میان دو کشور است (Chaziz, 2020, 82-85). در کنار این موارد، همکاری‌های مالی قطر و چین به‌منظور ایجاد یک سامانه پایدار ارزی، و گسترش دامنه و مقیاس ارزهای دوجانبه در قالب فاینانس مالی-ارزی میان بانک ملی قطر، بانک توسعه قطر، و بانک سرمایه‌گذاری زیربنایی آسیا، نمونه‌هایی از ارتباطات اقتصادی ارزی چین و قطر به‌شمار می‌آیند.

۱ Strategic Partnership

۲ Asia Infrastructure Investment Bank (AIIB)

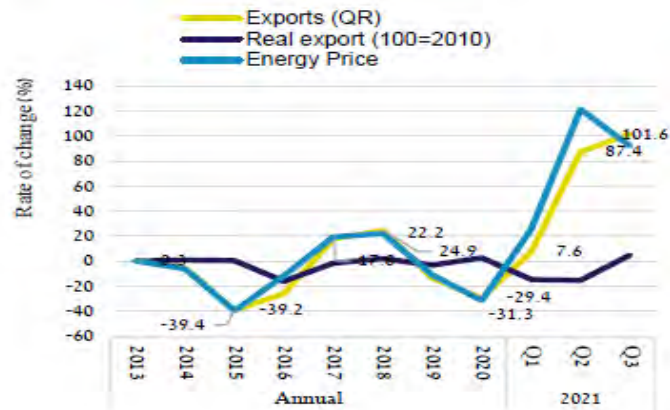
۳-۴. چشم انداز اقتصاد سیاسی تعاملی-پراکنشی قطر و رفتارسازی خودگسترشی در سیاست خارجی رویکرد خودگسترشی در سیاست خارجی و اقتصاد سیاسی تعاملی قطر به این معناست که دولت در پی بیشینه‌سازی تأمین منافع و کمینه‌سازی تهدیدهای بین‌المللی و منطقه‌ای با استفاده از پویای‌های اقتصادی-سیاسی است؛ به عنوان مثال، تشکیل اوپک گازی توسط قطر به منظور افزایش همگرایی در حوزه اقتصاد سیاسی انرژی در سطوح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، به دلیل افزایش سطح تقاضا در بازارهای جهانی به عنوان یک سازه قدرت‌ساز خودگسترش‌دهنده انجام شد (Mossalanejad, 2021, 12). در پرتو این سیاست، قطر در پی گسترش روابط اقتصادی خود با قدرت‌های مطرح بین‌المللی منطقه‌ای در چارچوب فرایند دائمی انطباق است. به این معنا که قطر با برقراری پیوندهای نزدیک منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای با کشورهایمانند روسیه و سرمایه‌گذاری ۲/۷ میلیارد دلاری و خرید سهام شرکت «روسنفت» تلاش خود را برای تعاملات شبکه‌ای و خودگسترشی تعامل محور انجام داده است. همچنین، این کشور در سال ۲۰۱۷ با تأکید بر سیاست نگاه به شرق آسیا، قرارداد صادرات ۲/۵ میلیون تن گاز مایع با بنگلادش را به امضا رساند تا بتواند تا سال ۲۰۲۵ ظرفیت تولیدی شرکت پتروپنگال را افزایش دهد. به طور کلی، از سه ماهه نخست سال ۲۰۲۱ با کاهش قیمت‌های حامل انرژی و پایداری در صادرات پایه قطر بر مبنای سال ۲۰۱۰، رویکرد اقتصادی صادراتی قطر از اواخر سال ۲۰۲۰ و در طول سال ۲۰۲۱، روند روبه‌رشدی داشته است (شکل شماره ۲) که این تغییرات، بیانگر رویکرد خودگسترشی و انطباق‌گرایی با نظام بین‌الملل در چارچوب اقتصاد سیاسی تعاملی-پراکنشی و در راستای قدرت‌سازی ژئوپلیتیکی بوده است.

شکل شماره (۲). ارزش واقعی و جاری صادرات قطر



۱ Self-Extension

۲ Perpetual Process of Adaption



Source: Qatar Economic Outlook 2021-2023

به طور کلی، چشم انداز اقتصاد سیاسی قطر، یک برنامه ریزی توسعه گرایانه فراکنشی به معنای کنشگری فعالانه در حوزه های اقتصادی متنوع در پرتو یک قدرت رابطه ای با استفاده از سازه های داخلی ای مانند بنیاد قطر و صندوق سرمایه گذاری قطر است. چارچوب قدرت رابطه ای قطر در بستر اقتصاد سیاسی تعاملی در سه محور به شرح زیر بسیار مورد توجه بوده است که نظام حکمرانی قطر از این محورها برای کسب قدرت و وجهه جهانی بهره می برد (Keivan Hosseiny, 2021, 81):

۱. آگاهی از نظم و ساختار نظام بین الملل به منظور تحول و متنوع سازی قدرت؛
  ۲. توجه به قدرت مادی و اشاعه آن در منطقه و فرامنطقه به منظور پیشبرد منافع و اهداف اقتصادی کلان؛
  ۳. پافشاری بر تأمین منافع و کسب اعتبار جهانی به عنوان یک قدرت نوپدید.
- الگوی اقتصادی کشورهای نوپدید در نظام بین الملل را که از توانایی های ارتباطی گسترده بین المللی برخوردارند می توان الگوی اقتصادی چندبرداری برپایه کنشگر بودگی، مفصل بندی کرد (Ahmadi Lafuraki & Talebi Arani, 2019, 14). این الگو، به این معنا است که دولت در وهله نخست با تأکید بر تضمین استقلال ملی خود به گسترش روابط متوازن اقتصادی با شرکا در سطح منطقه ای و بین المللی و در قالب موضوع های گوناگون روی می آورد که به نوعی امتداد الگوی خودگسترشی است. دولت قطر به این مسئله پی برده است که در شرایط درهم تنیده نظام جهانی، اشاعه الگوهای نوپدید برای کسب اعتبار و نفوذ

۱ Relation Power

۲ Model Economic Multivectorism



بین‌المللی، یک ضرورت گریزناپذیر است. به‌همین دلیل، شبکه‌سازی برای ارتباطات چندجانبه در دستور کار این کشور در خاورمیانه، شرق آسیا، و اروپا قرار گرفته است (Hafeznia, 2017, 1). انگیزه و پیشران اصلی چنین رفتاری، افزایش سطح تعاملات سازنده و شبکه‌ای خوشه‌ای با تأکید بر عامل ژئواکونومی است که می‌تواند تهدیدهای موجود را به فرصت تبدیل کند؛ به‌عنوان نمونه می‌توان به اقدامات اقتصادی-سیاسی قطر پس از سال ۲۰۱۷ اشاره کرد. این کشور که توسط عربستان سعودی تحریم شده بود، توانست با انطباق فعال جهانی، تهدید پیش‌رو را در پرتو یک رویکرد منطقه‌گرایانه و فرامنطقه‌گرایانه به فرصت تبدیل کند (Baysoy, 2020, 12-13) و به‌عنوان یک قدرت نوپدید شناخته شود. بر همین اساس، رویکرد منطقه‌گرایی و فرامنطقه‌گرایی اقتصادی قطر در قالب خودگسترشی سبب شد که شاخص‌های اقتصادی قطر در منطقه خاورمیانه، نسبت به بازیگران دیگر، از شرایط مناسب‌تری برخوردار باشد. به‌گونه‌ای که شاخص رقابت‌پذیری جهانی آن در سال ۲۰۱۸، با ۷۳/۳ درصد در رتبه ۲۸ جهان قرار گرفت و شاخص آزادی اقتصادی آن نیز در سال ۲۰۱۹ با ۷۴/۶ درصد، در رتبه ۱۸ جهان قرار داشت. بر پایه آمار یادشده، قطر تلاش کرده است با اعمال یک رویکرد فعال بین‌المللی منطقه‌ای در قالب‌های اقتصادی و سیاسی، به‌عنوان یک قدرت، بازنشاسی شود (Fawcett, 2020, 306) و به‌عنوان یک کشگر توانمند از توانایی امنیت‌سازی منطقه‌ای برخوردار باشد.

### نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که تحلیل مناسبات اقتصادی کشورهای نظام بین‌الملل در چارچوب روایت‌های اقتصاد سیاسی می‌تواند بیانگر سنجش میزان توسعه‌یافتگی و الگوهای اعمالی اقتصادی آنان در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی باشد. در همین راستا و در قالب تحلیل الگوهای ژئواکونومیک می‌توان با کاربست خوانش‌های اقتصاد سیاسی به فهم الگوهای اقتصادی کشورها در نظام بین‌الملل دست یافت. آنچه در این نوشتار بیشتر بر آن تأکید شده است، تلاش برای بازفهمی الگوهای دیپلماسی اقتصادی قطر در نظم ژئوپلیتیکی منطقه و فرامنطقه‌ای در جریان تولید قدرت و ثروت برای نقش‌یابی، حضور بین‌المللی، کسب وجهه، و مشروعیت جهانی و تأمین منافع این کشور است. عوامل پرشماری باعث شده‌اند که قطر در منطقه خاورمیانه دارای جایگاه ویژه‌ای بوده و به‌عنوان یک دولت کوچک از قدرت بالای بین‌المللی برخوردار باشد. این عوامل عبارتند از: تصمیم ساختار نخبگانی این کشور برای متفاوت بودن و قدرت‌یابی، استفاده از درآمد اقتصاد سیاسی هیدروکربنی در راستای متنوع‌سازی الگوهای اقتصادی در نظام جهانی به‌منظور ایجاد اقتصاد سیاسی تعاملی-پراکنشی، عقلانیت ارتباطی اقتصادی در برقراری روابط اقتصادی در



خاورمیانه، آسیای شرقی، اروپا، و گسترش روابط با ایالات متحده آمریکا، نهادسازی فراگیر دموکراتیک برای تغییر چهره بین‌المللی (مانند برگزاری انتخابات پارلمانی اکتبر ۲۰۲۱ به منظور کسب مشروعیت)، هم‌ترازی نهادهای داخلی (مانند بنیاد قطر و سازمان سرمایه‌گذاری قطر) با الگوهای اقتصادی در تجارت و اقتصاد بین‌الملل که بتواند متناسب با هر ساختار ژئوپلیتیکی‌ای، الگوی مناسبی را انتخاب کند و در راستای هیبریدی‌سازی اقتصاد به کار بندد. به بیان روشن‌تر، قطر با رویکرد سرمایه‌گذاری خارجی و پذیرش سرمایه بین‌المللی و گسترش روابط با کشورهایی که خواهان اقتصاد انرژی هستند، الگوهای متنوعی را برای ساخت یک اقتصاد توسعه‌یافته و تعامل‌محور تنظیم کرده است. به‌طور کلی، پژوهش حاضر نشان داد که قطر از راهبرد متنوع‌سازی رفتاری اقتصادمحور برای گسترش حوزه نفوذ خود در سطح بین‌المللی به‌وسیلهٔ تعاملات چندجانبه، بهره‌گرفته است تا بتواند ضمن کسب منافع اقتصادی به‌عنوان یک بازیگر فعال، بازشناسی شود. در پایان باید اشاره کنیم که کشورهای منطقه می‌توانند از الگوی اعمالی قطر برای تولید قدرت و ثروت برپایهٔ توانمندی‌ها و ظرفیت‌های خود بهره‌برند؛ برای مثال، جمهوری اسلامی ایران با تقویت سیاست همسایگی، گذار از گفتمان‌های تنش‌زا در سیاست خارجی، توجه به دانش‌بنیان‌سازی اقتصاد، ارتقای مزیت رقابتی محصولات داخلی، افزایش تولید کالای باکیفیت به‌منظور صادرات آن در منطقه و فرامنطقه (صادرات‌محورسازی اقتصاد)، خنثی‌سازی تحریم‌ها از طریق افزایش تعاملات منطقه‌ای و میان‌منطقه‌ای با کشورهای شرق آسیا و دولت‌های منطقه مانند قطر، وارد کردن فناوری از کشورهای دارای فناوری‌های نوین و تولید کالا متناسب با آن، غفلت نکردن از بازارهای منطقه‌ای، تقویت بخش خصوصی، و... می‌تواند امکان ظرفیت‌سازی برای پیشرفت اقتصادی را فراهم کند.

## References

- Adami, A & Ansrr, ... . HH(2020).. aaaa'ssoorggnPoyyyyProcrssssnmroooowhhlhlee European Union. *Political Science Quarterly*, 16(51), 23-45. [in Persian].
- Aguilar, J (2020). *Qatar – Japan Strong Bilateral Elation Highlighted*. available at: <http://GulfTimes.com/qatar-japan-strong-bilateral-relation-highlighted/>.
- Aguilar, J (2020). *Qatar–Japan Strong Bilateral Relation Highlighted*. available at: <http://GulfTimes.com/qatar-japan-strong-bilateral-relation-highlighted/>.
- Ahmadi Lafuraki, B & Talebi Arani, R (2019). A Reevaluation on Regional Studies Model to Promote the Applied Fundametals of Inter-Regional Security Ralations Patterns. *Political and International Approaches*, 10(10), 12-42. [in Persian].
- Alagos, P (2021). *Great Potential for Qatar, Singapore to Deepen Economic Ties, Says Envoy*. available at: <http://GulfTimes.com/great-potential-for-qatar-singapore-to-deepen-economic-ties-says-envoy/>.
- Auge, B (2017). *Diplomatic Relation between Qatar and sub-Saharan African*. available at: <http://www.ifri.org/diplomatic-ralation-between-qatar-and-sub-sahran-african-pdf>.



- Barrett, N. F (2019). Dissipative Systems and Living Bodies. *Adaptive Behavior*, DOI: available at: <http://www.doi.org/1059712319841306>.
- Baysoy, E (2020). New-Regionalism: The Slipknot of the Two Rival Trends? *Athens Journal of Mediterranean Studies*, 6, 11-20.
- Black will, R; Harris, J (2016). *War by Order Means*. Harvard University Press.
- Cammett, M & et.al. (2018). *A Political Economy of the Middle East*. New York: Routledge.
- Clemons, E (2019). *New Patterns of Power and Profit: A Strategist's Guide to Competitive Advantage in the Age of Digital Transformation*. Springer international Publishing; Palgrave MacMillan.
- Chaziza, M, (2020). China-Qatar Strategic Partnership and the Realization of One Belt, One Road Initiative. *China Report*, 56(1), pp.78-102. DOI: 10.1177/0009445519895612.
- Dehghani Firoozabadi, J (2014). *Thories of Regional Integration and International Regimes*. Tehran, Publication: Mokhatab. [in Persian].
- Ervin tok, M. & et al. (2016). *Policy-Making in a Transformative State: Case of Qatar*. Palgrave Macmillan.
- European Commission, (2020). *European Union, Political Relation with Qatar*. Retrieved, 23/9/2020/ from European Commissions, available at: <http://www.eeas.europa.eu/headquarter/>.
- Faweet, L (2020). *Regionalism in the Middle East and North African*, in the Routledge Handbook.
- Florida, R., (2019). *Cities and the Creative Class*. New York, NY: Rutledge.
- Ghasemi, F (2022). A Step towards the Theoretical Model of Dissipated and Bifurcated Order in the New International Politics. *International Quarterly of Geopolitics*, 18(65). [in Persian].
- Gremm, J. et.al. (2018). *Transitioning towards a Knowledge Society: Qatar as a Case Study*. Springer.
- Gulf Times, (2018). *Qatar, Belgium Enjoy Outstanding Relation*. available at: <http://gulf-times.com/qatar-belgium-enjoy-outstanding-relations-06-march-2018/>.
- Hafeznia, M. R. (2017). Active Geo-Strategic Faults in the World. *International Quarterly of Geopolitics*, 12(4).
- Karanisa, T & et.,, (2021)..Agricultural Production in Qatar. *Journal Sustainability (MDPI)*, 13(7). pp.1-25. available at: <http://doi.org/10.3390/su13074059/>.
- Karanisa, T. (2020). *Agricultural Production in Qatar*. <http://www.encyclopedia.pub/9932>.
- Keivan Hosseiny, A. (2021). The Effect of Relational Power Conception on International Power Studies. *World Politics a Quarterly Journal*, 10(35). pp. 69-100. [in Persian].
- Lanhoso, F & Coelho, D. A (2020). *Emergence Aiming Innovation for Sustainability*.
- Martin, R. et.al., (2021). *Geopolitics of the Knowledge-based Economy*. Routledge.
- Mason, R (2020). *Small-State Aspirations to Middlepowerhood: The Cases of Qatar and the uae*. New York: Oxford University Press.
- Miniaoui, H, (2021). *Economic Development in the Gulf Cooperation Council Countries: From Renter States to Diversified Economies*. qatar university: Springer.
- MokhtariHashi, H (2018). Explaining the Concept of Geo-economics and Recommendations for Iran. *International Quarterly of Geopolitics*, 14(50). [in Persian].
- Mossalanejad, A. (2021). Analyzing the Effect of Geo-economics in Saudi-Qatar Rivalries.

- International Quarterly of Geopolitics* 17(62). [in Persian].
- Nephew, R. (2020). *The Qatari Sanction Episode: Crisis, Response, and Lessons Learned*. available at: <http://www.energypolicy.columbia.edu>.
- Oatley, T. (2020). *International Political Economy*. Routledge.
- Schleifer, R (2018). *A Political Economy of Modernism*. England: Cambridge University Press.
- Shields, S. (2020). *The International Political Economy of Transition*. Routledge.
- Sibrata, D, Mourmouras, A & Rangazas. P. (2018). *Economic Growth and Development*. Publisher: Springer.
- Trend Economy, (2019). *Qatar's Imports and Exports*. available at: <http://trendeconomy.com/data/h2/qatar/Total/>.
- USA Today (2019). *These are the 25 Richest Countries in the World*. available at: <https://www.ustatoday.com/story/money/2019/07/07/richest-countries-in-the-world-39630693>.
- The Peninsula, (2021). *Qatar, Germany Trade Reaches \$830m in H1*. available at: [http://thepeninsulaqatar.com/qatar-germany-trade-reaches-\\$830m-in-h1/](http://thepeninsulaqatar.com/qatar-germany-trade-reaches-$830m-in-h1/).
- Wilkinson, E (2020). *Resilience and Deterrence: Exploring Correspondence between the Concepts*. in *Deterrence*, 19-33.
- Qatar Economic Outlook 2021-2023. *Planning and Statistics Authority*. available at: <http://www.psa.gov.qa/en/knowledge1/Publications/pages/qeo.aspx/>.
- Yordanov Georgiev, G, et.al (2019). *Evolution, Development and Complexity: Multiscale Evolutionary Models of Complex Adaptive*. Springer.
- Yu, F. L (2017). Neomercantilism Policy and China's Rise as a Global Power. *Contemporary Chinese Political Economy and Strategic Relations*, 3(3), 1043-XV.
- Zhang, X; et.al (2018). *A Cascading Failure Model for Command and Control Networks with Hierarchy Structure*. *Security and Communication Networks*.
- Zheng, Z. (2021). An Introduction to Emergence Dynamics in Complex System. In *Frontiers and Progress of Current Soft Matter Research*. pp. 133-196: Springer.
- Zibaei, M (2020). The New Emerging Middle Powers within the New Middle East: UAE and Qatar. *Foreign Relations Quarterly*, 12(2), 309-336. [In Persian].
- Zweiri, M (2021). *Contemporary Qatar: Examining State and Society*. Publisher: Springer.

